

## متن پیاده سازی شده جلسه بیست و چهارم تفسیر قرآن کریم 10 خرداد ماه 1402

### بسم الله الرحمن الرحيم

#### مقدمه

قرار بر این بود که بحث درباره بسمله و احکام مختلف آن فقهياً و غیر فقهياً تمام شود ولی برخی نکات باقی مانده که به این نکات می پردازیم.

#### خلاصه مباحث گذشته

در مورد بسم الله بین بسمله سوره حمد و بسمله سایر سوره ها تفصیل قائل شدیم. در سوره حمد بسمله جزء حمد و قرآن است و در نماز مجوزی برای خواندن سوره حمد بدون بسم الله وجود ندارد. ولی تراث سقیفه بدعتی گذاشتند که بسم الله خوانده نمی شود گرچه آنها هم بسم الله را می خوانند ولی آرام می خوانند.

در سوره حمد بسم الله حسابی دارد و در غیر سوره حمد حسابی دیگر دارد. در سوره توبه بنا شد که بسم الله نداشته باشد و حتی کسی حق ندارد به قصد سوره توبه بسم الله بگوید ولی اگر بنا بر این باشد که در آغاز هر کاری بسم الله گفته می شود اشکالی ندارد ولی به عنوان جزء سوره جایز نیست. در 112 سوره دیگر چند بحث وجود دارد:

1. آیا بسمله بخشی از قرآن هست یا نیست؟

2. آیا بسمله بخشی از سوره هست یا نیست؟

3. آیا بسمله در نماز واجب است یا نیست؟

4. آیا لازم است قبل از شروع سوره بسم الله را به نیت همان سوره بگوئیم؟

5. اگر بسم الله به قصد یک سوره گفته شود آیا امکان تعویض سوره است؟

ما به جز سوال اول در بقیه سوالات اظهار نظر کردیم. اینکه بسمله در 112 سوره (به جز حمد و برائت) بخشی از سوره باشد فیه تامل جداً و لذا در نماز آیات اگر کسی می خواهد سوره ای را تکه تکه کند باید بعد بسم الله آیه دیگری را هم اضافه کند مثلاً بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد و بعد به رکوع برود.

اینکه بسمله در نماز واجب است یا واجب نیست گفتیم با اینکه برخی از فقها در این مساله تامل دارند ولی قائل به خواندن بسم الله در نماز هستند و سوره بدون بسمله نباید خوانده شود. نظر ما در مساله مذکور این بود که روایاتن متعارض هستند و دلیلی نداریم، البته بنده خودم هرگز همچین کاری نمی کنم و اگر کسی امام جماعت شد نمازی نخواند که با مذهب مأموم اشکال داشته باشد. مثلاً کسی اجیر برای نماز شده نمی تواند بدون بسم الله بخواند.

لولا جهت، ما بسمله را نه به عنوان بخشی از سوره و نه به عنوان بخشی از نماز نپذیرفتیم. همچنین ما تعیین سوره قبل از خواندن بسم الله را هم نپذیرفتیم ولو تعیین اجمالی باشد. برخی تعیین سوره را لازم می دانند و تعیین اجمالی را کافی می دانند مثلاً شخصی همیشه بعد از سوره حمد سوره اخلاص را می خواند، حالا لازم است این شخص از قبل مشخص کند که من بعد حمد سوره اخلاص را خواهم خواند؟ جواب این است که نه نیازی به تعیین نیست.

نظر ما این بود که نه اجمالاً و نه تفصیلاً تعیین لازم نیست یعنی می تواند بعد حمد بسم الله را بگوید و بعد یک سوره ای را بخواند و تعیین سوره لازم نیست.

در مورد تعویض سوره در قالب مثالی گفتیم که مثلاً آقا نماز را شروع کرده و بسم الله را به نیت سوره اخلاص گفته ولی همسرش به او می گوید که کمی نماز را طولانی کند تا ایشان هم به نماز جماعت برسد، در اینصورت آیا آقا می تواند سوره را

عوض کند که نظر ما بر عدم اشکال تعویض سوره بود.

با اینکه نظر ما بر عدم اشکال تعویض سوره بود ولی اولاً در نماز سوره را تعیین کنید و بعد بسم الله را بگوئید و ثانیاً اگر خواستید سوره را تعویض کنید دوباره بسم الله را بگوئید.

شیخ انصاری در کتاب الصلاة در این مورد خیلی بحث کرده است. ما این بحث را تفصیلاً ذکر می‌کنیم بخاطر اینکه ببینیم عدول چقدر جایز است. آیا کسی در غیر بسم الله می‌تواند عدول کند؟ مثلاً کسی برای نماز ظهر ایستاده است و یادش می‌آید که نماز صبح نخوانده است یا اینکه شخصی به نماز ایستاده و نیت دو رکعت نماز برای امام زمان کرده است ولی بعد نماز می‌گوید این نماز برای امام جواد باشد بعداً برای امام زمان هم می‌خوانم آیا این عدول جایز است؟ یا اینکه کسی برای نماز ادا می‌ایستد سپس می‌گوید اول نماز قضا بخوانم بعداً عدا هم می‌خوانم آیا عدول این چنینی جایز است؟

این بحث‌ها به تناسب است و گرنه بحث ما سر بسم الله است. مثلاً کسی در نوشته‌ای آیه علی‌ین حزب الله هم الغالبون را به عنوان شعار می‌نویسد و بعد می‌خواهد این آیه به نیت قرآن باشد یا بالعکس اگر به عنوان قرآن می‌نویسد ولی قصد قرآنی نکند (برخی می‌گویند اگر این جملات به قصد قرآن باشد احکام قرآنی دارد) نتیجه چگونه است؟ مرحوم صدر در الفتاوا الواضحه آورده اند که اگر الله همان الله فی القرآن باشد حرمت مس بدون وضو دارد ولی اگر الله به عنوان قرآن نباشد حرمت مس را ندارد. یا مثلاً آدم یک نیم خط را اگر به عنوان قرآن بنویسد احکام قرآن را دارد ولی اگر به نیت قرآن نباشد چگونه است؟ به نظر مرحوم صدر چون قصد قرآنی ندارد پس احکام قرآنی را هم ندارد ولی اگر کاتب به قصد قرآنی برگردد نتیجه چه می‌شود.

سوال) بسم الله در نماز اخفات، بلند خوانده شود یا آهسته خوانده شود؟

پاسخ) در اهل تسنن در این باره بحثی است. فخر رازی به عنوان یک سنی متعصب می‌گوید: روی البیهقی فی السنن الکبیر عن ابی حریره قال کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یجهر فی الصلاة ببسم الله الرحمن الرحیم. ابوحریره می‌گوید پیامبر بلند می‌گفتند. ثم الشیخ البیهقی روی الجهر عن عمر بن الخطاب و ابن عباس و ابن عمر و ابن زبیر و امّا أن علی ابن ابیطالب رضی الله عنه کان یجهر بالتسمیة فقط ثبت بتواتر. در مورد پیامبر به تواتر ثابت نشده ولی از علی ابن ابیطالب ثابت شده که بلند می‌خواندند. و من اقتدا فی دینه بعلی ابن ابیطالب فقد اهتدی. بنده هم جهت دین خودم را با جهت دین علی ابن ابیطالب یکی می‌کنم. و الدلیل علیه قوله علیه السلام: اللَّهُمَّ أَدِرِ الْحَقَّ مَعَ عَلِيٍّ حَيْثُ دَارَ.

حالا ما از آقای فخر رازی سوال می‌کنیم که فقط در جهر به بسم الله باید از علی ابن ابیطالب اقتدا کرد یا در امامت و ولایت هم باید اقتدا کرد؟

در مورد این بحث لزوم تعیین، سوره ای را که می‌خواهیم بخوانیم بسم الله را برای آن سوره بگوئیم و بسم را کلی نگوئیم که بعداً تعیین کنیم. اینجا شیخ انصاری خیلی توضیح داده است. جان مطلب شیخ انصاری این است که وقتی شما می‌خواهید یک سوره در نماز بخوانید یا اصلاً سوره ای را نذر کرده اید یا اجیر برای خواندن قرآن شده اید، می‌خواهید در نماز یا غیر نماز قرآن نازل بخوانید یا نخوانید؟ قرآن نازل حکایت می‌خواهد یا نه؟ اگر بدون قصد حکایت قرآن بگویم آیا این خواندن قرآن محسوب می‌شود؟ قصد حکایت تعیینی می‌خواهد یا نه؟ شما اگر بسم الله را به قصد قرآن نگوئید بسم الله سوره توحید را نخوانده اید و اگر بسم الله سوره توحید را نخوانید قرآن نخوانده اید و اگر قرآن نخوانید نمازتان کافی نیست یا اینکه نذرتان صحیح نیست. شیخ انصاری می‌گوید بنده اجازه نمی‌دهم سوره را بعداً تعیین کنید.

یا مثلاً اول به قصد سوره قل هو الله بگوئید و بعد برای اینکه همسران به نماز جماعت برسند انانزلناه فی لیلۃ القدر را شروع کنید، اینکه معلوم است الشی لا یقلب دارد اما هو علیه. این بسم الله برای توحید بود لا یقلب به بسم الله انانزلناه، پس برای لزوم تعیین یک بیان و برای اینکه نمی‌شود عوض کرد دو بیان است یکی همین و دیگری لاینقلب است. تازه همان مطلق را هم بگویم الشی لا یقلب می‌آید چون می‌خواهد به یک سوره خاص بچسباند.

آقایان 5 صفحه مرحوم شیخ انصاری در همین عبارت فوق خلاصه شد. البته ایشان با یک مشکلاتی مواجه هستند:

أ. مشکل اول روایات است که روایات اجازه عدول می‌دهد. اگر بنا شد من باید از قبل تعیین کنم پس چرا می‌توانم از یک نماز به نماز دیگری عدول کنم؟

روایت می‌گوید: قَالَ إِنَّ نَسِيتَ الظُّهْرَ حَتَّى صَلَّيْتَ الْعَصْرَ فَذَكَرْتُهَاَ اِذَا ظَهَرَ اِفْرَامُشَ كَرَدِي وَ بَعْدَ عَمْرٍ اِذَا خَوَّانَدِي يَادَتْ اَمَدُ كَظَهَرِ اِذَا نَخَوَّانَدِي.

نکته ادبی: اینکه می گوید صلیة العصر یعنی عصر را خواندی، در زبان عربی این ترکیب، هم می تواند برای تمام کردن عمل باشد و هم برای شروع عمل باشد. در باب پنجم معنی آمده که فعل در زبان عرب گاهی به معنی تمام کردن می آید و گاهی به معنی شروع کردن می آید. از این جالب تر، اراده کردم شروع کنم. خود قرآن می-گوید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ (6) وقتی برای نماز ایستادید صورت تان را بشوید. این قمتم برای زمان ایستادن است یا منظور از إذا قمتم همان إذا أردتم است. امام می گوید اگر ظهر را فراموش کرد و نماز عصر را خواند وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ أَوْ بَعْدَ فَرَاغِكَ. اگر در نماز هستی یا تمام کردی فَأَنْوَهَا الْأُولَى ثُمَّ صَلَّى الْعَصْرَ نَيْتَ نَمَازِ ظَهْرٍ كُنْ وَ سَبَسَ نَمَازِ عَصْرِ رَا بِخَوَان. فَإِنَّمَا هِيَ أَرْبَعٌ مَكَانَ أَرْبَعٍ. ای کاش عملا در این درس خارج آدم از پیام احادیث استفاده کند.

فرض امام بر این است که نماز اول را خوانده ولی اگر طرف نخوانده یا فکر می کند که خوانده نماز عصر را جای نماز خوانده نشده می گذارد و نماز عصر را می خواند. این روایت را کنار عبارت شیخ و سخت گیری ایشان بگذارید اشکال دارد که بگوئیم الشی لا ینقلب أما هو علیه اینها برای تکوین است نه برای اعتبارات. حالا مثلا کسی بدهکار قرضی است، خمس و زکات هم بدهکار است و یک پولی را به فقیری داد ولی نیت زکات کرد، بعد بگوید فلانی آن مبلغ بابت طلب قرضی ات باشد و انشاءالله زکات و خمس را بعدا می دهم آیا این کار اشکال دارد؟

یا به نیت زکات داده و بعدا معلوم شود که این شخص فقیر نبوده.

إِذَا نَسِيتَ الظُّهْرَ حَتَّى صَلَّيْتَ الْعَصْرَ فَذَكَرْتَهَا وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ أَوْ بَعْدَ فَرَاغِكَ فَأَنْوَهَا الْأُولَى ثُمَّ صَلَّى الْعَصْرَ فَإِنَّمَا هِيَ أَرْبَعٌ مَكَانَ أَرْبَعٍ

روایات در کتاب وسائل الشیعه جلد 4 از صفحه 290 شروع و تا صفحه 293 ادامه دارد.

سوالات آخر درس

سوال 1) استاد این روایت شبیه قیاس نمی شود؟ شاید بنده فراموش کردم.

پاسخ) اصلا بحث فراموشی نیست. ببینید ما در واقع دنبال نکته زیبا است و این ملاک ظهور است. این نکته ای که آمده ملاک اش همان لاینقلب است. لا ینقلب فرقی بین نسیان و ذکر نمی گذارد. اگر این بشکند دیگر دلیل شکسته است.